



علی‌رغم توسعه صنعتی
جوامع و پیشرفت‌های
سریع تکنولوژی هنوز
هم قصه و زبان ساده

روایت نقش مهمی در تفهیم و بیان

مسائل آموزشی دارد. به نحوی که امروز در جوامع پیشرفته و سیستم‌های نوین آموزشی توجه به این وجه از آموزش بسیار مدنظر است و در نظام‌های کارآمد آموزش و پرورش امروزه در بسیاری از موارد از شیوه روایت و قصه‌گویی برای فهم مسائل مختلف از جمله آموزش زبان، الفبا، موسیقی و ... استفاده می‌شود.

اما جای افسوس دارد که در کشور ما با وجود پیشینه غنی و ارزشمندی که در زمینه اسطوره‌سازی، افسانه و داستان‌پردازی وجود دارد، توجه به این مساله در مدارس ما کم‌رنگ و ناچیز است در حالی که پرورش حس زیبایی‌شناسی، تکوین شخصیت کودک و آموختن کلمات تازه از نتایج طرح قصه‌های هدفمند و دلنشین برای بچه‌ها است و نحوه رویایی با مسایل معاشرت با دیگران را به بهترین شیوه به کودکان آموزش می‌دهد.

شیوه‌های تلفیقی

استفاده از شیوه‌های تلفیقی در آموزش نیز همواره مورد توجه بوده است و بر همین اساس قصه‌گویی در نظام آموزشی نیز می‌تواند با اشکال مختلف درسی آمیخته و با برنامه‌ریزی‌های صحیح و اصولی در جهت آموزش بهتر کودکان گام بردارد. از آن جایی که برخی مسائل در ذهن دانش‌آموز به شکل هیولایی دست نیافتنی در آمده است می‌توان با تلفیق دروس مذکور با پارامترهای جذاب و آشنا مثل قصه این مشکل را تا حد زیادی مرتفع نمود و مقدمات آشنی کودکان را با درس‌های به ظاهر خشک و غیر منعطف فراهم آورد.

هر چند باید به این مساله نیز توجه داشت که ارایه شیرین و صحیح قصه نیز بسیار حایز اهمیت است و در نتیجه تربیت و آموزش قصه‌گویی به معلمان است که از این قابلیت برخوردار باشند از ارکان اصلی آموزشی به این شیوه می‌باشد تا بتوانند ضمن ایجاد عشق و علاقه نسبت به ادبیات، در تقویت نیروی تخیل کودک، بالا بردن قدرت بیان و امکان بروز عواطف و آموزش‌های تربیتی و اخلاقی به کودکان موثر باشد. علاوه بر معلمان و اولیای مدرسه نقش بسته‌های کمک آموزشی نیز بسیار حایز اهمیت است مثلاً یکی از شیوه‌هایی که در کشورهای اروپایی و آمریکا مورد استفاده قرار می‌گیرد این است که قهرمانان داستان‌ها و افسانه‌های مشهورشان را به شکل عروسک و ماکت‌های مختلف ساخته و در خانه و مدارس از طریق آنها داستان‌ها را روایت می‌کنند. که این روش نیز می‌تواند قدرت تجسم، ارتباط با شخصیت‌های داستان حوادث مرتبط با آن را در ذهن کودک بالا برده و در نتیجه به کارگیری چنین روش‌هایی تأثیرات قصه و قصه‌گویی نیز صدچندان گردد. پس از یاد نبریم که دقایق کوتاه قصه‌های شبانه نقش عمیق و ماندگار را در ذهن کودکان برجای خواهد گذارد. نقشی که می‌توان آن را با ورود به مدرسه، رنگ و بوی جدی‌تر و کارآمدتر بخشید.



سروزناز بهمانی

قصه‌گویی گامی به سوی آموزش بهتر

از قوه تخیل نشات گرفته و اکثر مخترعین افرادی بودند که می‌توانستند از قوه تخیل خود بهترین استفاده را ببرند. مثلاً گفته می‌شود «داوینچی» از رابطه میان صدای زنگ و سنگی که در آب می‌افتد به کشف حرکت موجی صدا نایل شد و یا در سال ۱۸۶۵ شکل حلقوی مولکول بنزن را با تجسم آن در خیالات خود به ماری که دم خود را گاز می‌گیرد، کشف و مطرح نمود.

دکتر پایور جامعه‌شناس معتقد است: «یکی از ویژگی‌های اجتماعی قصه تفسیرهای متعدد و متنوعی است که مخاطبین از یک داستان در ذهن خود ارایه می‌دهند و الزاماً با روایت اصلی نویسنده همخوانی ندارد که از لحاظ جامعه‌شناسی تاویل گراست. این امر موضوعی پذیرفته شده و قابل قبول است. لذا بچه‌ها نیز با شنیدن یک قصه ممکن است تفسیرهای متعدد و گوناگونی داشته باشند که در بسیاری از موارد خود آن تفسیرها، ایده‌هایی ناب است.»

مورد دیگر این است که در قالب قصه و داستان به راحتی و زیبایی می‌توان میراث فرهنگی و ملی را به کودکان منتقل کرد و خصلت‌های پسندیده‌ای همچون شجاعت، درستکاری، مهربانی، گذشت و... را که در آثار و ادبیات داستانی ایران نیز به وفور یافت می‌شود به کودک منتقل نمود.

قصه‌گویی در سیستم آموزشی

اما با گذشتن از دوره خردسالی و ورود کودک به جامعه‌ای بزرگ‌تر مثل مدرسه اهمیت قصه و قصه‌گویی نه تنها کم‌رنگ‌تر نمی‌شود بلکه کارکردهایی به مراتب بیشتر و عمیق‌تر خواهد یافت. زیرا نه تنها آموزش بسیاری از اصول تربیتی از این طریق میسر می‌شود بلکه در آموزشی بهتر علوم مختلف نیز می‌توانند نقشی سازنده ایفا کنند. هر چند امروزه متأسفانه در مدارس هدف اصلی تعلیم و تربیت پرورش افرادی مبدع، خلاق و مبتکر نیست و آموزش‌های غیر فعال به همراه شیوه‌های خشک و غیرمنعطف آموزشی ذهنیت بچه‌ها را از مدرسه شکل می‌دهد به طوری که تصویر امتحان، نمره، اضطراب و دروسی خشک و تئوریک اولین پنداشت هر دانش‌آموزی از دوران مدرسه است. بدیهی است در چنین شرایطی که لذت بخش‌ترین خاطره کودکان از حضور در مدرسه به رابطه با دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان برمی‌گردد و به عبارت بهتر بخش عمده پرورش دانش‌آموزان در سایه کنش‌های عاطفی و رفتاری در جمع‌های دوستانه میسر می‌شود، توجه به قصه و قصه‌گویی جایگاهی در مسایل پرورش و آموزشی نخواهد داشت. در حالی که در طول تاریخ

«یکی بود یکی نبود» این جمله آغاز و منشاء بسیاری از درس‌ها و نکاتی است که در زندگی آموخته‌ایم و به کودکان خود آموزش می‌دهیم در حالی که شاید بسیاری از مواقع متوجه تأثیر شگرف و ماندگار آن نباشیم. قصه و قصه‌گویی شاید به طول تاریخ بشر قدمت داشته باشد و کمتر مادری را بتوان یافت که قصه‌ای برای فرزند خود در قالب داستان‌های شبانه، شعر و لالایی تعریف نکرده باشد. روایت افسانه‌ها و داستان‌ها و به طور کلی قصه‌گویی تأثیرات بسیاری را در رشد و پرورش ذهنی و شخصیتی کودک دارا می‌باشد در دنیای امروز به نوعی جزو ارکان آموزش به شمار می‌رود.

اهمیت آموزش از این طریق را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. از جمله اینکه تجربه نشان می‌دهد آموزش به شیوه غیرمستقیم تأثیرات عمیق‌تر و بیشتری را به جای می‌گذارد به ویژه در مورد کودکان پیش رو و آگاه امروز که از نصیحت و پند و اندرزهای تکراری گریزان هستند و نسبت به توصیه‌های مستقیم از خود مقاومت نشان می‌دهند بیان مسایل و شیوه‌های صحیح رفتاری در قالب داستان و به شیوه‌ای غیرمستقیم کارآمدتر به نظر می‌رسد. زیرا در این حالت توجه کودک به داستان و شخصیت‌های موجود در قصه معطوف است اما در همین حین پیام‌ها و توصیه‌های لازم را ضمیر ناخودآگاه او دریافت خواهد کرد.

قصه و پرواز تخیل

باید در نظر داشت قدرت همذات پنداری و تخیل کودکان بسیار بالا بوده و به راحتی قادر هستند که خود را به جای شخصیت‌های محبوب قصه‌ها قرار دهند و از سوی دیگر میل به قهرمان‌پروری و قهرمان بودن آنها را به انجام الگوهای رفتاری که توسط والدین به صورت جهت دار در قالب شخصیت‌های قصه مطرح می‌شود، ترغیب و تشویق خواهد کرد. ضمن اینکه قصه‌گویی فضایی را برای کودک به وجود می‌آورد که موجب تقویت قوه تخیل او می‌شود و پرورش تخیل در کودکان آثار مثبت بسیاری را در رشد روحی و ذهنی کودک به جای خواهد گذارد از جمله اینکه با تقویت قوه تخیل و امکان پرورش استعدادهای درونی و شکوفایی توانایی‌های بالقوه کودک فراهم می‌شود و مادر و پدر بهتر می‌توانند به علائق و استعدادها فرزند خود پی ببرند از سوی دیگر نباید از یاد برد که تقویت قوه تخیل گسترش افق و خیال‌پردازی کودک در پیشرفت او در زمینه علوم مختلف نیز بسیار حایز اهمیت است. چنانچه اگر دقت کنیم زمینه بسیاری از اختراعات و اکتشافات، بشری